

## تحلیل و بررسی دیه عضو در اثر شکستگی، دررفتگی و جدا شدن

حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر محمد مصدق، عضو هیئت علمی دانشگاه و قاضی دیوان عالی کشور

### چکیده

قانون گذار در سال ۱۳۹۲ در قالب مواد قانونی متعددی از جمله ماده ۵۵۸ تا ۵۷۵ قانون مجازات اسلامی به بیان احکام مربوط به دیه اعضاء پرداخته است. در این بین مسائل قضایی و حقوقی نیز مورد توجه مقنن قرار گرفت و هر چند سابقه تقنینی در این خصوص وجود نداشت؛ اما با تصویب آنها از تشتت آراء قضایی جلوگیری کرده است. در این نوشتار به مواد ۵۶۷ تا ۵۷۵ قانون مجازات اسلامی پرداخته شده و مسائل فقهی، حقوقی و قضایی آن مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و توجه به رویه قضایی به شرح و تحلیل مواد قانونی اخیرالذکر پرداخته و احکام هر یک از مواد قانونی بیان شده است. نوآوری‌های تقنینی از سوی قانون گذار مورد توجه این مقاله بوده که بیانگر فهم مقنن از مسائل فقهی و نیازهای روزآمد نظام قضایی است که از جمله می‌توان به مواد ۵۷۲ تا ۵۷۵ قانون مجازات اسلامی اشاره کرد.

\*\*\*

### گفتار اول: حکم رفتار در موارد عدم آسیب و عیب و اثر در بدن

از موضوعات بسیار مهم و مبتلابه که تعداد زیادی پرونده نیز ناظر به همین موضوع می‌باشد این است که چنانچه رفتار مرتکب نه آسیبی بر بدن ایجاد کند و نه اثری از خود داشته باشد چه باید کرد و آیا چنین اقدامی جرم نیست؟ رویه قضایی در این خصوص تا قبل از تصویب ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی متشتت بود. در سال ۱۳۹۲ مقنن به این تشتت پایان داد و حکم قضیه را روشن کرد.

ماده ۵۶۷: «در مواردی که رفتار مرتکب نه موجب آسیب و عیبی در بدن گردد و نه اثری از خود در بدن برجای بگذارد ضمان منتفی است لکن در موارد عمدی در صورت عدم تصالح، مرتکب به حبس یا شلاق تعزیری درجه هفت محکوم می‌شود».

حکم این ماده در قانون سابق وجود نداشت و از نوآوری‌های قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) محسوب می‌شود. این ماده مکمل ماده ۴۰۱ همین قانون است و در مقام بیان آن است که چنانچه رفتار مرتکب آسیبی به طرف مقابل نرساند، ضمان منتفی است؛ لیکن چنانچه رفتار عمدی باشد، در صورت عدم تصالح، مرتکب به حبس یا

شلاق تعزیری درجه هفت محکوم می‌شود.

مطابق ماده ۴۰۱، نسبت به جنایات زیر قصاص ساقط و مرتکب به پرداخت دیه و تعزیر مقرر در ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ محکوم خواهد شد:

الف- جراحات هاشمه،<sup>(۱)</sup> مُنْقَلَه،<sup>(۲)</sup> مأمومه<sup>(۳)</sup> و دامغه<sup>(۴)</sup> که همگی مخصوص سر و صورت است؛  
ب- جائفه؛<sup>(۵)</sup>

پ- هرگونه جنایتی که موجب شکستن استخوان هر یک از اعضاء شود؛

ت- هر نوع صدمه‌ای که موجب تغییر رنگ پوست اعم از سیاه‌شدگی، کبودی و سرخ‌شدگی و یا تورم بدن شود.<sup>(۶)</sup> منظور از این صدمات، مواردی است که موجب جراحات، شکستگی و قطع عضو نمی‌شود؛

ث- هرگونه آسیبی که خطر تجاوز در قصاص عضو یا منافع وجود داشته باشد.

سؤالی که در این خصوص قابل طرح است اینکه بر اساس ماده ۴۰۱ قانون مجازات اسلامی، چنانچه کسی مرتکب جنایاتی از قبیل مأمومه، دامغه و حتی ایراد صدماتی شود که صرفاً موجب تغییر رنگ پوست یا ورم بدن می‌شود، افزون بر پرداخت دیه به مجازات تعزیری نیز محکوم می‌شود؛ در حالی که ارتکاب جنایاتی از قبیل حارصه، دامیه و متلاحمه که شدیدتر از تغییر رنگ پوست است مستوجب تعزیر نیست و فلسفه این تبعیض جای سؤال دارد.

ماده ۴۰۱ در مقام بیان مجازات جنایاتی است که مستوجب قصاص نیست مانند مأمومه، منقله و حتی جنایاتی که صرفاً موجب تغییر رنگ می‌شوند؛ به همین جهت جنایاتی از قبیل حارصه را صرفاً در مواردی که موجب قصاص است ذکر نکرده است و بر این اساس در صورت ارتکاب حارصه، چنانچه امکان قصاص مرتکب وجود دارد فقط قصاص می‌شود و در فرض عدم امکان قصاص، بر اساس ذیل این ماده که مقرر می‌دارد «حکم مذکور در هر مورد دیگری که خطر تجاوز در قصاص عضو یا منافع وجود داشته باشد نیز جاری است»، افزون بر محکومیت به پرداخت دیه، در صورت فراهم بودن سایر شرایط، به مجازات تعزیری نیز محکوم خواهد شد. به همین جهت در ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)<sup>(۷)</sup> برای ارتکاب رفتاری که موجب آسیب و عیبی در بدن نشود و اثری در بدن بر جای نگذارد، در صورت عدم تصالح، مجازات حبس یا شلاق پیش‌بینی شده است؛ بنابراین هر چند جنایاتی از قبیل حارصه در ماده ۴۰۱ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) ذکر نشده است؛ لیکن در صورت عدم امکان قصاص و در صورت فراهم بودن شرایط ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ مستوجب مجازات تعزیری خواهد بود.<sup>(۸)</sup>

باید توجه داشت مواردی که رفتار عمدی مرتکب موجب آسیب و عیبی در بدن نشود و اثری از خود در بدن به جای نگذارد، مشمول ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) است، اما با توجه به اوضاع و احوال قضیه و شخصیت طرف مقابل و محل و موقعیت وقوع جرم، چنانچه قصد مرتکب تحقیر و تخفیف طرف باشد، مطابق

نظریه تفسیری مجلس شورای اسلامی مشمول بزه توهین (ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵) خواهد بود که تشخیص مصداق بر عهده مرجع قضایی رسیدگی کننده است.<sup>(۹)</sup>

نکته قابل توجه دیگر اینکه پرداخت دیه تابع مقررات مسئولیت مدنی است و یکی از ارکان مسئولیت مدنی، حصول ضرر است؛ بنابراین شخصی که آسیب و عیبی در بدن او ایجاد نشده است، مستحق دریافت دیه نیست. لازم به ذکر است با توجه به قسمت اخیر این ماده که موارد عمدی را در صورت عدم تصالح مشمول حبس یا شلاق تعزیری درجه هفت می‌داند، جرم موضوع این ماده قابل گذشت است.

در باب مصادیق؛ یکی از مصادیق این دسته از آسیب‌ها، سیلی زدن یا لگزدن است که آثاری از آن به جای نمانده باشد و به نظر قاضی، مصداق توهین هم نباشد. به‌عنوان مثال، چنانچه در جریان درگیری دو نفر، هریک، به دیگری سیلی بزنند بی‌آنکه اثری به جای مانده باشد، می‌تواند مشمول حکم ماده ۵۶۷ باشد.

### گفتار دوم: مقدار دیه در شکستگی عضو در فروض منجر به اصلاح کامل و اصلاح با عیب و نقص

به حکم قانون و به تبع فقه اسلامی در شکستگی عضوی که دارای دیه مقدر است، چنانچه پس از جنایت به‌گونه‌ای اصلاح شود که هیچ عیب و نقصی در آن باقی نماند، چهار بیست و پنجم دیه آن عضو ثابت است و چنانچه با عیب و نقص اصلاح شود یا برای آن عضو دیه مقدری نباشد، ارش ثابت است مگر در مواردی که در این قانون خلاف آن مقرر شده باشد. مقنن در ماده ۵۶۸ قانون مجازات اسلامی به ذکر این مسئله مهم فقهی اشاره کرده است. در قانون سابق (ماده ۴۴۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰) در حکمی مشابه مقرر کرده بود: «دیه شکستن استخوان هر عضوی که برای آن عضو دیه معینی است خمس آن می‌باشد و اگر معالجه شود و بدون عیب گردد دیه آن چهارپنجم دیه شکستن آن است و دیه کوبیدن آن ثلث دیه آن عضو و در صورت درمان بدون عیب چهارپنجم دیه خرد شدن استخوان می‌باشد».

این ماده در مقام بیان چند حکم است:

نخست، دیه شکستگی عضوی که دارای دیه مقدر است، چنانچه به‌گونه‌ای بهبود یابد که عیب و نقصی در آن باقی نماند، چهار بیست و پنجم دیه آن عضو است. به‌عنوان مثال، چنانچه دیه عضو شکسته پنجاه میلیون تومان باشد، هشت میلیون تومان قابل پرداخت است؛

دوم، در فرض پیشین، چنانچه عضو با عیب و نقص درمان شود، دیه ندارد و تنها ارش تعلق می‌گیرد؛ سوم، در شکستگی عضوی که دارای دیه مقدر نیست، ارش ثابت است مانند شکستن استخوان کف دست که مستوجب پرداخت ارش است.

محتوای این ماده با مفاد بند «الف» ماده ۵۶۹ معارض نیست. بند «الف» آن ماده مقرر می‌دارد: «دیه شکستن استخوان هر عضو یک‌پنجم دیه آن عضو و اگر بدون عیب درمان شود چهارپنجم دیه شکستن آن است»؛ زیرا

چهارپنجم از یک پنجم دیه یک عضو، همان چهار بیست و پنجم دیه آن عضو است و در این دو ماده یک معنا با دو عبارت نقل شده است.

لازم به ذکر است که مواد ۵۶۸ و ۵۶۹ قانون مجازات اسلامی با یکدیگر تعارضی ندارند و جهات تفاوت بین این دو ماده عبارت است از:

نخست، در ماده ۵۶۸ بحث از اعضایی است که دیه مقدر یا غیرمقدر دارند؛ در حالی که ماده ۵۶۹ صرفاً ناظر به اعضای دارای دیه مقدر است.

دوم، ماده ۵۶۸ شامل فروض شکستگی منتهی به درمان با عیب یا بی عیب (هر دو) می شود؛ ولی ماده ۵۶۹ صرفاً از درمان بدون عیب صحبت کرده و به صراحت مطلبی پیرامون درمان با وجود و بقای عیب مطرح نکرده است. به هر صورت، صرف نظر از اینکه شکستگی عضو می تواند جدای از شکستگی استخوان مصداق داشته باشد (مانند شکستگی گوش یا شکستگی غضروف بینی)، در ماده ۵۶۸ قانون گذار اراده خود را در تعیین ارزش برای عیب و نقص ناشی از شکستگی عضو یعنی اصلاح ناقص علاوه بر دیه مقدر شکستگی استخوان، اگر وجود داشته باشد اعلام داشته است؛ بنابراین دیه شکستگی استخوان (موضوع قسمت اول بند «الف» ماده ۵۶۹)، امری جدای از ارزش عیب و نقص شکستگی عضو موضوع قسمت وسطی ماده ۵۶۸ است که ناظر به کارآیی و منافع عضو است و لذا نباید از صدر بند «الف» ماده ۵۶۹ این مفهوم مخالف را استنباط کرد که اگر شکستگی عضوی با عیب اصلاح یا درمان شود، تنها دیه آن یک پنجم دیه آن عضو است و مبلغ دیگری نباید تعیین شود.<sup>(۱۰)</sup> توجه به این نکته نیز مهم است که مقررات این ماده منحصر در شکستگی عضو است و شامل دیگر جراحات نمی شود.

منظور از عضو در این ماده، عضو خاصی نیست و شکستگی همه اعضای بدن را شامل می شود. شکستگی ها به سه دسته بسته، باز و پیچیده تقسیم می شود. در نوع بسته پوست سالم باقی مانده و زخمی نمی شود. در نوع باز شکستگی باعث پاره شدن پوست می شود؛ به گونه ای که شکستگی با زخم ارتباط پیدا می کند و در نوع سوم موجب صدمه دیگر اعضا مانند رگ یا اعصاب می شود.

انواع شکستگی استخوان عبارت است از:

نخست، شکستگی کامل که استخوان را دو تکه می کند؛

دوم، شکستگی ساده که استخوان از یک سمت ترک می خورد؛

سوم، شکستگی تکه ای که استخوان در یکجا می شکند؛

چهارم، شکستگی مرکب که استخوان قطعه قطعه یا خرد می شود؛

پنجم، خمیدگی استخوان که خمیدگی می شود اما نمی شکند؛

ششم، شکستگی باز که استخوان شکسته از پوست بیرون می زند.<sup>(۱۱)</sup>

البته چنانچه دو استخوان از یک عضو شکسته شود، برای هر استخوان دیه جداگانه تعیین شود و شکستگی‌هایی که حکم خاصی دارند مانند شکستگی استخوان بینی که بر اساس ماده ۵۹۳ قانون مجازات اسلامی<sup>(۱۲)</sup> حکم خاصی دارد از شمول این ماده خارج است.

هرگاه استخوان شکسته شده مربوط به عضوی باشد که آن عضو فاقد دیه مقدر باشد در این صورت مطابق ماده ۵۶۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ازش ثابت خواهد شد؛ مگر اینکه در قانون حکم دیگری برای آن شکستگی مقرر شده باشد مانند شکستن استخوان ترقوه.<sup>(۱۳)</sup>

در خصوص اینکه نحوه تعیین دیه در مواردی که دو استخوان از یک عضو شکسته شود چگونه است؟ به نظر می‌رسد در صورتی که دو استخوان از یک عضو شکسته شود برای هر دو استخوان باید به‌طور مستقل دیه تعیین شود. ولی اگر در یک استخوان مثلاً نازک‌نی توسط شخص واحدی و در یک زمان چهار مورد شکستگی ایجاد شود فقط دیه شکستگی همان استخوان پرداخت می‌شود. تشخیص اینکه شکستگی‌های متعدد یک استخوان بر اثر اصابت یک ضربه بوده یا ضربات متعدد، به عهده پزشک قانونی است.<sup>(۱۴)</sup> در پایان این گفتار باید اشاره کرد تشخیص وجود عیب و نقص یا اصلاح بدون عیب و نقص با کارشناس است و باید در نظریه پزشکی قانونی، این امر تصریح شود.

#### **گفتار سوم: دیه شکستن، ترک برداشتن و خرد شدن استخوان هر عضو**

به موجب ماده ۵۶۹ قانون مجازات اسلامی: «دیه شکستن، ترک برداشتن و خرد شدن استخوان هر عضو دارای دیه مقدر به شرح زیر است:

الف- دیه شکستن استخوان هر عضو یک‌پنجم دیه آن عضو و اگر بدون عیب درمان شود چهارپنجم دیه شکستن آن است.

ب- دیه خرد شدن استخوان هر عضو یک‌سوم دیه آن عضو و اگر بدون عیب درمان شود چهارپنجم دیه خرد شدن آن استخوان است.

پ- دیه ترک برداشتن استخوان هر عضو چهارپنجم دیه شکستن آن عضو است.

ت- دیه جراحی که به استخوان نفوذ کند بدون آنکه موجب شکستگی آن گردد و نیز دیه موضعه آن، یک‌چهارم دیه شکستگی آن عضو است.»

ماده ۴۴۲ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) در حکمی مشابه مقرر می‌داشت: «دیه شکستن استخوان هر عضوی که برای آن عضو دیه معینی است خمس آن می‌باشد و اگر معالجه شود و بدون عیب گردد دیه آن چهارپنجم دیه شکستن آن است و دیه کوبیدن آن ثلث دیه آن عضو و در صورت درمان بدون عیب چهارپنجم دیه خرد شدن استخوان می‌باشد.»

در این ماده، چند موضوع متفاوت مطرح شده است که هر کدام دیه خاص خود را دارد؛ شکستن استخوان، ترک برداشتن استخوان، خرد شدن استخوان و جراحی که به استخوان نفوذ کند بدون آنکه موجب شکستگی آن گردد و شکسته شدن به معنای تکه تکه شدن است، ولی خرد شدن به معنای له شدن است.

قانون گذار در بند «ت» این ماده حکم فرضی را مطرح کرده است که هیچ یک از حالات شکستگی، ترک برداشتن و خرد شدن استخوان اتفاق نیفتاده و صرفاً جراحی به استخوان نفوذ کرده است. همچنین در بند مزبور حکم جراحی موضعه عضو نیز بیان شده است، جراحی که طبق ماده ۷۰۹ این قانون موجب می شود پوست نازک روی استخوان کنار برود و استخوان آشکار شود. به عبارت دیگر، در «موضعه» جراحی به استخوان نفوذ نمی کند بلکه موجب نمایان شدن آن می گردد.

از این بیان معلوم می شود که جراحی ایجاد شده در این فرض، دو حالت دارد؛ یا در استخوان نفوذ کرده و از حد «موضعه» رد شده و یا در همان حد موضعه که «آشکار شدن سفیدی استخوان است» می ماند. در هر دو حالت طبق بند «ت» ماده ۵۶۹، یک چهارم دیه شکستگی آن عضو به عنوان دیه مقدر به مجنی علیه پرداخت می شود و موضوع پرداخت برای جراحی موضعه منتفی است.

حالی که با توجه به اینکه در بند «پ» ماده ۵۶۹ مقرر شده است: «دیه ترک برداشتن استخوان هر عضو چهارپنجم دیه شکستن آن عضو است»، آیا این دیه مربوط به ترک خوردن استخوانی است که با عیب بهبود پیدا کرده است یا بدون عیب؟

این موضوع در میان حقوق دانان و نیز محاکم کیفری محل اختلاف بود.

عده ای معتقد بودند دیه ترک برداشتن استخوان هر عضو چهارپنجم دیه شکستن آن عضو است؛ صرف نظر از اینکه بدون عیب درمان شده باشد یا با عیب. به تعبیر دیگر، نوع درمان تأثیری در حکم این ماده ندارد و شاید نکته قضیه این باشد که «ترک خوردن» غالباً با بهبودی همراه است و دارای یک حالت بیشتر نیست در نتیجه دیه آن بر اساس بند «پ» ماده ۵۶۹ ناظر بر صدر بند «الف» این ماده، چهارپنجم از یک پنجم که همان دیه شکستن عضو بدون در نظر گرفتن بهبودی و معالجه است، می باشد.

عده ای دیگر معتقد بودند که در همین فرض، باید طبق بند «پ» ناظر به قسمت دوم بند «الف» رفتار کرد و متهم را به پرداخت چهارپنجم از یک پنجم دیه شکستن آن عضو محکوم کرد؛ زیرا:

اولاً، بند «پ» ماده ۵۶۹ قانون مجازات اسلامی، دیه ترک برداشتن استخوان هر عضو را به طور کلی به دیه شکستن استخوان آن عضو ارجاع داده است و چون در میزان دیه شکستن استخوان هر عضو قانون گذار به موجب بند «الف» همان قانون کیفیت درمان را مؤثر دانسته است، علی الاصول در میزان دیه ترک برداشتن استخوان نیز کیفیت درمان مؤثر بوده و باید قائل به تفصیل شویم؛

ثانیاً، اقتضای عملی تعیین دیه ترک برداشتن هر استخوان، بدو تعیین میزان دیه شکستن همان استخوان است

و چون در تعیین دیه شکستن استخوان هر عضو لاجرم باید نتیجه درمان را لحاظ نمود، این امر به نحو اتوماتیک در تعیین دیه ترک برداشتن نیز اعمال خواهد شد؛

ثالثاً، با توجه به اینکه در اکثر قریب به اتفاق پرونده‌ها، ترک برداشتن استخوان بدون عیب بهبود می‌یابد، میزان دیه متعلقه قانونی مطابق بند «پ» ماده ۵۶۹ قانون مجازات اسلامی ناظر بر قسمت دوم بند «الف» آن، چهارپنجم از چهارپنجم از یک‌پنجم دیه شکستن آن عضو می‌باشد.

به این ترتیب چون از شعب مختلف دادگاه‌های کیفری، با اختلاف استنباط از قانون، آراء متفاوت صادر شده بود، منتهی به صدور رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوانعالی کشور<sup>(۱۵)</sup> در تأیید نظر دوم شد. این رأی مقرر می‌دارد: «مطابق مقررات بند «پ» ماده ۵۶۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، دیه ترک برداشتن استخوان هر عضو، چهارپنجم دیه شکستگی التیام یافته بدون عیب همان عضو است و چون دیه شکستگی استخوان که بدون عیب درمان شود چهارپنجم از خمس دیه آن عضو است و دیه یک دست نیز نصف دیه کامل می‌باشد. در نتیجه مقدار دیه ترک برداشتن استخوان ساعد دست، چهار پنجم از چهار پنجم از خمس نصف دیه کامله خواهد بود...».

حال چنانچه استخوان بینی ترک بخورد، آیا دیه آن بر اساس بند «پ» ماده ۵۶۹ محاسبه می‌شود یا خیر؟

دو نظر قابل ارائه است:

نخست، با توجه به مواد ۵۹۲ تا ۵۹۹ این قانون که به بیان دیه قطع و از بین بردن، شکستگی، پاره شدن و سوراخ شدن بینی پرداخته است و به‌طور معین، ذکری از دیه ترک‌خوردگی استخوان بینی نکرده است در ترک برداشتن استخوان بینی باید به قواعد عمومی مراجعه کرد و در نتیجه مشمول بند «پ» ماده ۵۶۹ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) خواهد بود.

دوم، شکستگی استخوان بینی از قواعد عمومی که در ماده ۵۶۹ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) آمده است تبعیت نمی‌کند و خود دارای دیه خاص و معینی است که در ماده ۵۹۳ همین قانون به آن تصریح شده است؛ بنابراین در موارد ترک خوردگی و خردشدگی استخوان بینی نمی‌توان به قواعد عمومی مراجعه کرد و لذا ترک‌خوردگی استخوان بینی مشمول ماده ۵۵۹ و از موارد تعیین ارش است.

قانون‌گذار در بند «ت» ماده ۵۶۹ مقرر داشته است: «دیه جراحی که به استخوان نفوذ کند بدون آنکه موجب شکستگی آن گردد...». در خصوص اینکه مصادیق جراحات مذکور در این بند چیست باید گفت:

بند «ت» ماده ۵۶۹ ناظر به جراحاتی غیر از شکستگی، خرد شدن و ترک برداشتن استخوان است و فقها در تعیین مصادیق آن به مواردی اشاره کرده‌اند که چاقو در استخوان نفوذ کرده است؛ بدون آنکه منجر به شکستگی شود که از آن می‌توان به «ناقبه» تعبیر کرد. در احراز عناوین شکستن و سوراخ شدن به معیار عرف رجوع می‌شود و عرفاً بین شکستن استخوان و سوراخ شدن استخوان تفاوت است، هر چند که در عمل، سوراخ شدن استخوان بدون شکستن آن ممکن نیست. مطابق ماده ۵۶۹ قانون مجازات اسلامی، دیه آن یک‌چهارم دیه

شکستگی همان عضو است.

در مواردی که حسب استعلام از پزشکی قانونی و طبق آیین‌نامه‌های آن مرکز استخوان خاجی در انتهای ستون فقرات واقع شده و از نظر میزان دیه همانند ستون فقرات است. آیا ترک خوردن این استخوان مطابق بند «پ» ماده ۵۶۹ و بند «ت» ماده ۶۴۷ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) مستلزم تعیین چهارپنجم از یک‌دهم دیه کامل است؟ به‌طور کلی حکم ترک خوردن ستون فقرات چیست و آیا چهارپنجم باید از بند «الف» ماده ۶۴۷ محاسبه شود یا وفق بند «ت» ماده ۵۶۹؟

به نظر می‌رسد در صورت ترک برداشتن هر یک از استخوان‌های ستون فقرات اعم از استخوان سینه‌ای، کمری یا خاجی، با توجه به بند «پ» ماده ۵۶۹ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) که دیه ترک برداشتن استخوان هر عضو را چهارپنجم دیه شکستن آن عضو مقرر کرده است، چنانچه این ترک‌خوردگی درمان نشود یا پس از علاج ستون فقرات به‌صورت خمیده درآید، دیه آن منطبق بر بند «الف» ماده ۶۴۷ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)، چهارپنجم دیه کامل خواهد بود. چنانچه ترک‌خوردگی بدون عیب درمان شود، منطبق بر بند «ت» همین ماده، موجب چهارپنجم از یک‌دهم دیه کامل خواهد بود.

در فرضی که قوزک خارجی پا دچار شکستگی شود، مشمول دیه است یا ارش؟ در صورتی که مشمول دیه باشد میزان آن چقدر است باید گفت: شکستگی قوزک خارجی پا که اصلاً درمان نشود یا با عیب درمان شود، موجب یک‌دهم دیه کامل است و چنانچه بدون عیب درمان شود، چهارپنجم دیه شکستن پا به آن تعلق می‌گیرد. در این خصوص استفتائاتی نیز صورت گرفته است که به برخی از این فتاوی اشاره می‌شود:  
در پاسخ به این سؤال که آیا شکستگی پاشنه و قوزک پا دیه مقدر دارد، گفته شده است:  
آیت‌الله العظمی محمدتقی بهجت: بنا بر مشهور خمس دیه یک پا است ولی احوط وجوبی در صلح است (۱۳۷۹/۶/۱۰).

آیت‌الله محمد فاضل لنکرانی: طبق قاعده مشهور دیه شکستگی هر یک یکصد دینار است (۱۳۷۸/۵/۲۰).

آیت‌الله سیدعبدالکریم موسوی اردبیلی: شکستگی استخوان دیه معینه دارد (۱۳۷۹/۶/۱۰).

و اینکه آیا کشکک زانو جزء اعضای زوج بدن موضوع ماده ۵۶۳ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) محسوب می‌شود یا اینکه صدمه وارد بر آن مانند شکستگی ارش دارد؟ شکستگی کشکک زانو آیا بر اساس بند «الف» ماده ۵۶۹ قانون پیش گفته دیه دارد یا ارش تعیین می‌شود؟

باید توجه داشت کشکک زانو عضو مستقلی نیست، بلکه جزء استخوان‌ها محسوب می‌شود و لذا دیه شکستگی آن بر اساس بند «الف» ماده ۵۶۹ محاسبه می‌شود.

در مورد شکستن کشکک زانو از مراجع عظام استفتاء شده است که فتاوی ارائه شده مؤید این برداشت است.

فقه‌های معاصر در پاسخ به این سؤال که آیا شکستگی کشکک زانو و استخوان کف دست و پا از نظر دیه مشمول شکستگی استخوان دست و پا است تا یک‌پنجم دیه دست و پا به آن تعلق گیرد یا از موارد تعیین ارش است، چنین پاسخ داده‌اند:

آیت‌الله العظمی لطف‌الله صافی گلپایگانی: شکستن زانو صد دینار و کف دست چهل دینار دیه دارد (۶ ربیع الاول ۱۴۲۵ هـ.ق).

آیت‌الله العظمی ناصر مکارم شیرازی: شکستگی استخوان کشکک یک پا دیه آن یکصد دینار است و در استخوان‌های دیگر یک‌پنجم دیه آن استخوان است (۱۳۸۲/۱۰/۱۳).

آیت‌الله العظمی سید عبدالکریم موسوی اردبیلی: ظاهر این است که هر سه مورد از موارد تعیین ارش به وسیله حکومت است (۱۳۸۲/۱۱/۱۸).

آیت‌الله العظمی حسین نوری همدانی: بر اساس نظریه مشهور که در شکستگی هر عضو که دیه مقرره دارد، یک‌پنجم دیه آن عضو را باید پرداخت کرد. در فرض سؤال، یک پنجم دیه دست یا پا (یکصد دینار) لازم است پرداخت شود (۱۳۸۲/۱۲/۱۹).

مورد دیگر اینکه آیا شکستن استخوان‌های درشت‌نی و نازک‌نی بر اثر یک ضربه موجب پرداخت دو دیه است یا صرفاً یک فقره دیه شکستگی تعلق می‌گیرد؟

این موضوع از موارد اختلاف در رویه قضایی بود که منتهی به صدور رأی وحدت رویه شماره ۶۹۱ مورخ ۱۳۸۵/۷/۱۱ از هیئت عمومی دیوانعالی کشور شده است. در این رأی وحدت رویه به دو استخوان درشت‌نی و نازک‌نی تصریح نشده است؛ لیکن موضوع پرونده رویه قضایی به شماره ۵/۸۳۵ هیئت عمومی محل اختلاف این دو استخوان است. در پرونده کلاسه ۱۰۵/۷۵/۸۵ شعبه ۱۰۵ دادگاه عمومی همدان، دادگاه طی دادنامه شماره ۳۳۵ مورخ ۱۳۸۲/۶/۱۰ متهم را بابت شکستگی انتهای تحتانی استخوان‌های درشت‌نی و نازک‌نی ساق پای راست به پرداخت چهارپنجم از یک‌پنجم نصف دیه کامل مرد مسلمان محکوم می‌کند. در مقابل شعبه ۴ دادگاه عمومی همدان به موجب دادنامه شماره ۲۸۳ مورخ ۱۳۸۲/۴/۷ از بابت همین نوع صدمه دو فقره دیه شکستگی تعیین کرده است و به نوعی شکستگی استخوان‌های درشت‌نی و نازک‌نی پا را دو شکستگی مستقل محسوب کرده است. با طرح این پرونده در هیئت عمومی دیوانعالی کشور، رأی وحدت رویه شماره ۶۹۱ مورخ ۱۳۸۵/۷/۱۱ چنین رفع ابهام کرده است: «ماده جدید ماده ۴۴۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ که مقرر داشته: «دیه شکستن استخوان دو عضوی که برای آن عضو دیه معینی است خمس آن می‌باشد...». بنابراین چنانچه دو استخوان از یک عضو نیز شکسته شود برای هر استخوان طبق ماده مذکور بایستی دیه جداگانه تعیین شود».

به طور کلی باید گفت اگر چند جای یک استخوان بشکند، برای هر شکستگی دیه مجزا ثابت است؛ مگر اینکه

همه آنها عرفاً یک شکستگی محسوب شود.

استخوان‌های درشت‌نی و نازک‌نی به ترتیب استخوان ساعد و ساق پا را تشکیل می‌دهند. چنانچه این استخوان‌ها هر چند با ضربه واحد و از ناحیه شخص واحد شکسته شود، هر یک دیه جداگانه خواهد داشت. جنایتی که موجب نقص فک یا دشواری و نقص جویدن شود، از شمول ماده ۵۶۹ قانون مجازات اسلامی خارج است و مشمول ماده ۶۳۱ این قانون<sup>(۱۶)</sup> خواهد بود.

قانون‌گذار در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی آورده است: «هرگاه یک استخوان از چند نقطه جدای از هم بشکند یا خرد شود یا ترک بخورد، در صورتی که عرفاً جنایت‌های متعدد محسوب گردد، هریک دیه جداگانه دارد هرچند با یک ضربه به وجود آید و مجموع دیه جنایت‌های مزبور از دیه عضو هم بیشتر باشد».

مشابه حکم این ماده در قانون سابق وجود داشت و از نوآوری‌های قانون مجازات اسلامی جدید محسوب می‌شود. طبق ماده ۵۳۸ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)، در تعدد جنایات اصل بر تعدد دیات و عدم تداخل آنها است؛ بنابراین در صورتی که یک استخوان از چند نقطه بشکند یا خرد شود یا ترک بخورد، هر یک دیه جداگانه خواهد داشت؛ هر چند که با یک ضربه حادث شده باشد.

در صورتی که یک استخوان هر چند با یک ضربه از چند نقطه بشکند، هر یک دیه جداگانه خواهد داشت؛ اگر چه مجموع دیه جنایت‌های مزبور از دیه عضو هم بیشتر باشد.

لازم به ذکر است نوع شکستگی‌های حادث شده در یک استخوان تأثیری ندارد بلکه ملاک، آن است که جنایت‌های متعددی محسوب شود. به نظر می‌رسد برای تشخیص اینکه جنایت متعدد است یا خیر، بایستی به اتصال محل‌های شکستگی توجه کرد. اگر محل‌های شکستگی به هم متصل باشد به نحوی که دو شکستگی در حکم واحد قرار گیرند، شکستگی واحد محسوب می‌شود.

#### گفتار چهارم: در رفتگی استخوان از مفصل

نتیجه یکی از آسیب‌هایی که در مقام وقوع جرم علیه اشخاص ممکن است رخ دهد، در رفتگی استخوان از مفصل است. در این خصوص قانون‌گذار به مثابه حکم مقرر در ماده ۴۴۳ قانون سابق و براساس مبانی فقهی و شرعی در قالب ماده ۵۷۱ قانون مجازات اسلامی حکم قضیه را روشن کرده است. به موجب این ماده: «در رفتگی استخوان از مفصل، در صورتی که موجب شلل یا از کارافتادگی کامل عضو نگردد، موجب ارش و در غیر این صورت موجب دوسوم دیه همان عضو و در صورت درمان بدون عیب موجب چهارپنجم از دوسوم دیه آن عضو می‌باشد».

آن‌گونه که اشاره شد ماده ۴۴۳ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) در حکمی مشابه این ماده از قانون مجازات اسلامی جدید مقرر کرده بود: «در جدا کردن استخوان از عضو به طوری که آن عضو بی‌فایده گردد دوثلث دیه همان عضو است و اگر بدون عیب درمان شود، دیه آن چهارپنجم دیه اصل جدا کردن می‌باشد».

این ماده در مقام بیان چند حکم است:

نخست، دررفتگی استخوان از مفصل در صورتی که موجب شلل یا از کارافتادگی کامل عضو نشود موجب ارش است؛

دوم، دررفتگی استخوان از مفصل در صورتی که موجب شلل یا از کارافتادگی کامل عضو شود موجب دوسوم دیه همان عضو است.

سوم، دررفتگی استخوان از مفصل در صورتی که موجب شلل یا از کارافتادگی کامل عضو شود در صورت درمان بدون عیب موجب چهارپنجم از دوسوم دیه آن عضو است؛

منظور از شلل، فلج شدن و بی حرکت شدن عضو است و جدا شدن استخوان مترادف با دررفتگی نیست و در صورتی که استخوان کاملاً از مفصل بیرون بیاید می تواند از مصادیق آن باشد.<sup>(۱۷)</sup>

حال آیا منظور از عبارتهای «در غیر این صورت» و «دیه آن عضو» مذکور در ماده ۵۷۱ قانون مجازات اسلامی، چیست؟ به طور مثال مقصود مقنن از «دیه آن عضو»، دیه دست است یا دیه شکستگی استخوان دست؟

به نظر می رسد دررفتگی استخوان از مفصل در صورتی که موجب شلل یا از کارافتادگی کامل عضو نشود موجب ارش است و در غیر این صورت، یعنی در صورتی که دررفتگی استخوان از مفصل موجب شلل یا از کارافتادگی کامل عضو شود، موجب دوسوم دیه قطع همان عضوی است که دچار دررفتگی شده است، برای مثال دیه دررفتگی استخوان مفصل دست راست که موجب شلل یا از کارافتادگی شود، دوسوم دیه قطع دست راست یعنی دوسوم از نصف دیه کامل خواهد بود و در صورتی که دررفتگی استخوان از مفصل موجب شلل یا از کارافتادگی کامل عضو شود و درمان آن بدون عیب باشد، موجب چهارپنجم از دوسوم دیه قطع آن عضوی است که دچار دررفتگی شده است.

با توجه به مثال مذکور، در صورتی که در اثر جنایتی استخوان مفصل دست راست مجنی علیه دچار دررفتگی شود و این دررفتگی موجب شلل یا از کارافتادگی گردد، دو سوم دیه قطع دست راست تعیین می شود؛ اما در صورت دررفتگی استخوان دست راست از مفصل که شلل یا از کارافتادگی کامل را در پی داشته و بدون عیب درمان شود، موجب چهارپنجم از دوسوم دیه قطع عضوی است که استخوان آن دررفته است و نه دیه شکستگی آن عضو.

با توجه به فروض مقرر در ماده ۵۷۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، صدر ماده مذکور ناظر به حالتی است که «دررفتگی استخوان از مفصل، موجب شلل یا از کارافتادگی کامل عضو نگردد» که موجب تعلق ارش است. به عبارت دیگر، در این حالت دررفتگی استخوان از مفصل موجب شلل و از کارافتادگی عضو شده است ولی نه به طور کامل؛ و هر چند تعیین میزان ارش پس از کسب نظر کارشناس و با توجه به میزان کارایی عضو که می تواند در تعیین ارش مؤثر باشد صورت می گیرد، ولی در مقایسه با فروض دیگر ماده ۵۷۱ قانون مجازات

اسلامی، علی‌الاصول میزان آن باید کمتر از دیه دررفتگی استخوان از مفصل که منجر به از کارافتادگی و شلل کامل عضو شده و همچنین بیشتر از حالتی باشد که دررفتگی استخوان از مفصل بدون عیب درمان شده است؛ زیرا فرض مورد نظر حد وسط دو حالت دیگر است.<sup>(۱۸)</sup>

### گفتار پنجم: نوآوری‌های تقنینی دیه اعضاء

#### الف- دیه جدا شدن تکه کوچکی از استخوان در اثر جنایت

ماده ۵۷۲ اشعار می‌دارد: «هرگاه در اثر جنایتی تکه کوچکی از استخوان از آن جدا شود، دیه شکستگی ثابت است.»

احراز شکستگی استخوان امری تخصصی است و لذا دادگاه در این خصوص باید از نظر کارشناس استفاده کند. طبق ماده ۵۷۲ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) برای جدا شدن تکه کوچکی از استخوان، دیه شکستگی ثابت است. جدا شدن تکه‌ای از استخوان ممکن است ناشی از ایراد ضربه به استخوان باشد؛ به این ترتیب که با وارد شدن ضربه به استخوان، قسمتی از آن به اصطلاح لب‌پر و جدا شود. قانون‌گذار در این موارد معتقد به حکم کلی شکستگی استخوان است. احکام شکستگی استخوان در ماده ۵۶۸ قانون مجازات اسلامی و بند «الف» ماده ۵۶۹ همین قانون بیان شده است و از متن این مواد استنباط می‌شود که در فرض جدا شدن تکه‌ای از استخوان، دیه یا ارش شکستگی تعیین خواهد شد.

#### ب- صدمه بر استخوان موجب نقص عضو یا صدمه دیگری

ماده ۵۷۳ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: «هرگاه صدمه بر استخوان موجب نقص عضو یا صدمه دیگری گردد، هر یک دیه جداگانه‌ای دارد.»

همان‌گونه که قبلاً نیز بیان شد، وحدت و تعدد صدمات در این حکم موضوعیتی ندارد. حکم موضوع این ماده با رعایت حکم مندرج در مواد ۵۴۵ و ۵۴۶<sup>(۱۹)</sup> قابلیت اعمال می‌یابد.

#### پ- دیه در رفتگی مفصل و شکستن استخوان بر اثر یک یا چند ضربه

ماده ۵۷۴ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: «هرگاه بر اثر یک یا چند ضربه، علاوه بر دررفتگی مفصل، استخوان نیز بشکند یا ترک بخورد، دو جنایت محسوب می‌شود و هر یک دیه یا ارش جداگانه دارد. اگر بر اثر ضربه‌ای هم استخوان بشکند و هم جراحی مانند موضعه یا نافذه و یا جائفه در بدن ایجاد شود نیز این حکم جاری است.»

بر اساس این ماده، هرگاه جنایتی علاوه بر جراحی موجب دررفتگی استخوان از مفصل و شکستگی آن شود سه جنایت محسوب می‌شود.

## ت- تأثیر پیوند خوردن عضو پس از جنایت بر دیه

ماده ۵۷۵ اشعار می‌دارد: «پیوند خوردن عضو پس از جنایت تأثیری در دیه ندارد». قطع کردن عضو موجب دیه است؛ صرف نظر از اینکه بعداً پیوند زده شود یا امکان پیوند نباشد و نیز صرف نظر از اینکه عضوی که پیوند زده شده دارای روح باشد یا نباشد.

### پی‌نوشت‌ها:

- ۱- هاشمه: جنایتی که موجب شکستگی استخوان شود گرچه جراحی را تولید نکند، ده صدم دیه کامل (ماده ۷۰۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲).
- ۲- مُنْقَلَه: جنایتی که درمان آن جز با جا به جا کردن استخوان میسر نباشد، پانزده صدم دیه کامل (همان‌جا).
- ۳- مأمومه: جراحی که به کیسه مغز برسد، یک‌سوم دیه کامل (همان‌جا).
- ۴- دامغه: صدمه یا جراحی که کیسه مغز را پاره کند که علاوه بر دیه مأمومه موجب ارش پاره شدن کیسه مغز نیز می‌باشد (همان‌جا).
- ۵- ماده ۷۱۱ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲): «جائفه جراحی است که با وارد کردن هر نوع وسیله و از هر جهت به درون بدن انسان اعم از شکم، سینه، پشت و پهلو ایجاد می‌شود و موجب یک‌سوم دیه کامل است. در صورتی که وسیله مزبور از یک طرف وارد و از طرف دیگر خارج گردد، دو جراحت جائفه محسوب می‌شود. تبصره- هرگاه در جائفه به اعضای درونی بدن آسیب برسد و یا از بین برود، علاوه بر دیه جائفه، دیه یا ارش آن نیز محاسبه می‌شود».
- ۶- ماده ۷۱۴ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲): «دیه صدماتی که موجب تغییر رنگ پوست می‌شود، به شرح ذیل است: سیاه شدن پوست صورت شش هزارم، کبود شدن آن سه هزارم و سرخ شدن آن یک و نیم هزارم دیه کامل، تغییر رنگ پوست سایر اعضا حسب مورد نصف مقادیر مذکور در بند (الف). تبصره ۱- در حکم مذکور فرقی بین اینکه عضو دارای دیه مقدر باشد یا نباشد نیست. همچنین فرقی بین تغییر رنگ تمام یا قسمتی از عضو و نیز بقاء یا زوال اثر آن نمی‌باشد. تبصره ۲- در تغییر رنگ پوست سر، ارش ثابت است»؛ ماده ۷۱۵ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲): «صدمه‌ای که موجب تورم بدن، سر یا صورت گردد ارش دارد و چنانچه علاوه بر تورم موجب تغییر رنگ پوست نیز گردد، حسب مورد دیه و ارش تغییر رنگ به آن افزوده می‌شود».
- ۷- ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲): «در مواردی که رفتار مرتکب نه موجب آسیب و عیبی در بدن گردد و نه اثری از خود در بدن بر جای بگذارد، ضمان منتفی است لکن در موارد عمدی در صورت عدم تصالح، مرتکب به حبس یا شلاق تعزیری درجه هفت محکوم می‌شود».
- ۸- مصدق، محمد، شرح قانون مجازات، جلد چهارم، ۱۳۹۵، صفحه ۳۳۴
- ۹- نظریه مشورتی شماره ۷/۱۱۱۱ مورخ ۱۳۹۵/۵/۱۲ اداره کل حقوقی قوه قضاییه.
- ۱۰- نظریه مشورتی شماره ۷/۱۸۴۹ مورخ ۱۳۹۵/۸/۸ اداره کل حقوقی قوه قضاییه.
- ۱۱- زراعت، عباس، شرح مختصر قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲، صفحه ۶۱۲

۱۲- ماده ۵۹۳: «شکستن استخوان بینی در صورتی که موجب فساد بینی و از بین رفتن آن شود، دیه کامل دارد و چنانچه بدون عیب و نقص اصلاح شود موجب یک‌دهم دیه کامل و اگر با عیب و نقص بهبود پیدا کند، موجب ارش است. در کج شدن بینی یا شکستن استخوان بینی که منجر به فساد آن نشود، ارش ثابت می‌شود».

۱۳- نظریه مشورتی شماره ۷/۱۲۸۹ مورخ ۱۳۹۲/۷/۱ اداره حقوقی قوه قضاییه.

۱۴- نظریه مشورتی شماره ۷/۴۹۵۸ مورخ ۱۳۸۳/۷/۱۲ اداره حقوقی قوه قضاییه.

۱۵- رأی وحدت رویه شماره ۷۸۲ مورخ ۱۳۹۸/۹/۱۹ هیئت عمومی دیوان عالی کشور.

۱۶- ماده ۶۳۱: «جنایتی که موجب کندی حرکت فک شود ارش دارد و چنانچه مانع جویدن یا موجب نقص آن شود، ارش آن نیز افزوده می‌شود».

۱۷- نظریه شماره ۴۷۷۱ مورخ ۱۳۷۲/۵/۳ شورای نگهبان.

۱۸- نظریه مشورتی شماره ۷/۲۲۷۳ مورخ ۱۳۹۴/۸/۲۴ اداره کل حقوقی قوه قضاییه.

۱۹- ماده ۵۴۵ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲): «هرگاه منفعتی قائم به عضوی باشد در جنایت بر آن عضو که منجر به زوال یا اختلال منفعت گردد تنها دیه بیشتر ثابت می‌شود ولی اگر منفعت قائم به آن عضو نبوده و میان از بین رفتن عضو و زوال منفعت ملازمه نباشد، اگرچه وجود آن عضو در تقویت و تسهیل منفعت مؤثر باشد، مانند لاله گوش و بینی که در تقویت شنوایی و بویایی مؤثرند و به سبب قطع لاله گوش یا بینی، شنوایی یا بویایی نیز زایل یا ناقص گردد، هرکدام دیه جداگانه دارد؛» ماده ۵۴۶ همان قانون: «چنانچه به سبب ایراد ضربه یا جراحت، صدمه بزرگتری به وجود آید مانند اینکه با شکستن سر، عقل زایل شود، هرگاه آن جراحت علت و سبب زوال یا نقصان منفعت باشد اگر با یک ضربه یا جراحت واقع شده باشد دیه ضربه یا جراحت در دیه بیشتر تداخل می‌کند و تنها دیه زوال یا نقصان منفعت که بیشتر است پرداخت می‌شود و چنانچه زوال منفعت یا نقصان آن با ضربه یا جراحت دیگری غیر از ضربه ای که جراحت را ایجاد کرده است، واقع شده باشد و یا ضربه یا جراحت وارده علت زوال یا نقصان منفعت به گونه‌ای که لازم و ملزوم یکدیگرند نباشد و اتفاقاً با آن ضربه و جراحت، منفعت نیز زایل گردد یا نقصان یابد، ضربه یا جراحت و منفعت هر کدام دیه جداگانه دارد».